

ساختار دست و پاگیر است به یک کشور قدرتمند و کاربردی با هدف دستیابی به کارایی و اثربخشی و ارائه خدمات با کیفیت متحول می‌کند. عدم تمرکز دولت اساس فلسفه اداره امور کشور است. در این راستا، پس از به قدرت رسیدن حزب، بهبود اصلاحات عمومی است که امکان تمرکززدایی و انتقال قدرت به دولت‌های محلی را محقق می‌کند.

۳. سیاست اجتماعی: دیدن دولت به عنوان وسیله‌ای برای خدمت به مردم. طبق اهداف حزب سیاست‌های رفاه و خوشبختی برای همه شهروندان است، نه فقط برای یک طبقه خاص.

۴. سیاست‌های آموزشی: با توجه به اهداف حزب، آموزش و پرورش مهم‌ترین عنصر توسعه در هر زمینه می‌باشد. جوامعی که دارای سرمایه انسانی انجام کار موثر نیستند، محکوم به از دست دادن شانس خود در دنیای امروزند. به همین دلیل اولویت اول سرمایه‌گذاری‌های آموزشی در اختصاص کمک‌های دولتی از اهداف حزب است.

۵. سیاست اجتماعی امنیتی: امنیت اجتماعی به عنوان یک حق اساسی در نظر گرفته شده و این حق برای هر فرد قابل دسترس است. بنابراین، سیاست تأمین اجتماعی درخور فلسفه اجتماعی امور عامه در محدوده قانون اساسی خواهد بود.

با دقت نظر در این سری اصول می‌توان پیش‌فرض‌های یک دولت دموکراتیک از نوع رفاهی را مشاهده کرد. چرا که فردگرایی، امکان آزاداندیشی، دولت حداقلی با وظیفه تأمین امنیت شهروندان و... در این اصول آشکار و یا مستتر است. علاوه بر حوزه اجتماعی و سیاسی اتخاذ چنین سیاست‌هایی به سرعت نمود خود را در حوزه اقتصادی نیز عیان ساخت. از سال ۲۰۰۲ که حزب عدالت و توسعه قدرت را به دست گرفته، وضع اقتصادی ترکیه به‌طور محسوس دگرگون شده است. بحران شدید مالی ۲۰۰۱ که ترکیه را تا لب پرتگاه سقوط برده بود، خاتمه یافت و برنامه اصلاحات اقتصادی حزب، تحولی عظیم در اقتصاد ترکیه به وجود آورد؛ تا آن‌جا که رشد اقتصادی ترکیه تا سال ۲۰۰۷ به رقم سالی ۶ درصد رسید و تقریباً هیچ کشوری به خوبی ترکیه بحران مالی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ را از سر نگذرانید. ضمن این‌که درآمد سرانه ملی در ترکیه، از زمانی که اردوغان زمام کار را به دست گرفته، سه برابر شده است. تشریه اکونومیست به همین واسطه لقب «چین اروپا» را به ترکیه داده است.

یکی از مظاهر این رشد و توسعه اقتصادی را می‌توان در شکل‌گیری مناطق صنعتی مشاهده کرد. یکی از این مناطق صنعتی معروف که مورد توجه و تحسین تحلیل‌گران و بازدیدکنندگان قرار گرفته، «غازی‌انتپ» است که در هزار کیلومتری جنوب شرقی استانبول قرار دارد. کسی که بخواهد صعود ترکیه را به هفدهمین قدرت اقتصادی جهان مشاهده کند، باید به این مناطق سفر کند. غازي‌انتپ که در گذشته شهرت‌ش را مدیون کباب بادمجان و پسته‌اش بود، امروز تبدیل به یکی از زنده‌ترین مراکز اقتصادی ترکیه شده و تولیدات صنعتی این شهر از سال ۲۰۰۵ تا کنون دو برابر گردیده است. صادرات این شهر در سال ۲۰۰۸م، برابر ۳۹ میلیارد دلار بود.

همان‌طور که نمونه غازي‌انتپ نشان می‌دهد فقط بخش‌های غربی ترکیه نیستند که از رونق اقتصادی سود

۲۰۰۱ به رهبری رجب طیب اردوغان وارد صحنه سیاسی ترکیه شد. با آن‌که این حزب تازه تأسیس بود، بلافاصله در ۳ نوامبر ۲۰۰۲ توانست در انتخابات پارلمان موفق شود و ۳۴ درصد از آراء را به خود اختصاص دهد و این آغازی برای کامیابی‌های بعدی این حزب بود؛ به گونه‌ای که توانست در انتخابات ۲۰۰۷ آرای ۴۶/۶ درصد و در انتخابات ۲۰۱۱، ۴۹/۹ درصد آرای مردم ترکیه را جذب نماید و بدین ترتیب در تاریخ معاصر این کشور اولین حزبی نام گرفت که توانسته است آرای خود در انتخابات بعدی را افزایش دهد.

اما خطمشی داخلی این حزب چگونه بود که چنین موفقیتی را به بار آورد؟ به نظر می‌رسد که علت اصلی این مسأله تلاش حزب عدالت و توسعه برای تلفیق جریانان اسلام‌گرای بومی و سنتی موجود در این کشور با اقتضائات دوران مدرن بود که می‌توانست خود را در قالب تلفیق دین و دموکراسی به نمایش بگذارد. در این ارتباط توجه به خطمشی‌های اصلی حزب که خود را در قالب موارد زیر عیان می‌نماید، وافی به مقصود خواهد بود:

۱. حقوق و آزادی‌های اساسی: در نظر گرفتن همه آزادی‌های مدنی و سیاسی به‌ویژه آزادی اندیشه، بیان، عقیده، آموزش و پرورش، تشکل و... به عنوان پیش شرط صلح و آشتی‌جویی. استفاده از همه این آزادی‌ها شرط ضروری و اجتناب‌ناپذیر تبدیل ترکیه به یک امید بزرگ برای همه است.

۲. اداره عامه: حزب عدالت و توسعه، دولت را که بیش از حد بزرگ و دارای

